

راه حل تعارض ظاهری اذن زوج در خروج از منزل با سایر حقوق

اجتماعی زوجه در احکام فقهی

دکتر سید جواد خاتمی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری

دکتر سید محسن آریز

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری

راضیه مهدی پور

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق، دانشگاه حکیم سبزواری، خراسان، ایران.

چکیده:

با توجه به مساله اذن زوج بر خروج زوجه از منزل، حقوق اجتماعی و اقتصادی زن را باید جزو حقوق بالقوه ای دانست که بالفعل شدن آن در گرو اذن و اجازه مرد است.

با فرض اینکه زوجه وظایف واجب و مستحب خود را در خانه انجام داده باشد و با لحاظ حفظ کامل شیونات شرعی در خارج از منزل، اگر مرد برای اموراتی همچون تحصیل، اشتغال، صلح رحم و حضور در نماز جماعت مسجد و ... به زن اجازه خروج از منزل را ندهد، عملاً حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی که اسلام برای زن قایل شده، حقیقت پیدا نخواهد کرد، و لذا عقل و اراده و اختیار زن در این مقوله جایگاهی نخواهد داشت.

ظاهراً این حکم شرعی و همچنین مساله حق ریاست مرد در خانواده در برخی شرایط باعث ایجاد محدودیتهای اجتماعی و اقتصادی ناعادلانه در حق زوجه و گاهی عسر و حرج ایشان می شود. در این پژوهش با مراجعه به منابع فقهی و تحلیل ادله اثبات حکم اذن زوج در بیان فقها، و نیز بررسی مفهوم حکم اذن، گستردگی دایره شمولیت موارد مستثنی منه این حکم، نسبت به دایره شمولیت مستثنی یعنی خود حکم، و در نهایت با کمک قواعد فقهی موید آن، به اثبات ارشادی بودن این حکم می پردازیم.

واژگان کلیدی: اذن زوج، حقوق اجتماعی، احکام فقهی، قواعد فقهی.

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

*مسئول مکاتبات: raziyemahdipoor@gmail.com

۱- مقدمه

تغییر پیشرفت شرایط زندگی در جوامع کنونی، تغییر و تحول خواسته‌ها و نیازهای زنان در جامعه امروزی را در پی داشته است. حکم اذن زوج به خروج زوجه از منزل، گاهی در بعضی شرایط، زنان را از دست یابی به سایر حقوق اجتماعی ایشان محروم می‌سازد. توجه به این مساله سوالاتی ممکن است مطرح شود:

- اسلام به عنوان کاملترین دین، که به همه ابعاد زندگی انسانی یک زن توجه دارد، واقعا بر چه مبنایی، رسیدن به حقوق اجتماعی و معنوی زنان را منوط به اذن شوهر قرار داده و چه حکمتی غیر از حفظ آرامش نهاد خانواده و حسن تبعل و انجام وظایف واجب و مستحب زن در خانه، می‌توان برای آن تصور کرد، که حتی با وجود تحقق آنها باز هم زن بدون اذن همسرش نمی‌تواند از منزل خارج شود؟

- آیا حقوق اجتماعی و معنوی یک زن با داشتن استعداد و توانایی در کسب علم و ادامه تحصیل در مراتب علمی بالا و اشتغال در خدمت به جامعه و رسیدگی به امورات فرزندان، در شرایط کنونی که مستلزم خروج از منزل و حضور وی در مجامع علمی است، در صورت مخالفت مرد با وجود تمکین خاص زن و اذن ندادن به خروج زن، سرکوب نمی‌شود؟

- آیا تنها راهی که اسلام برای بهره‌مندی زن از این حقوق اجتماعی مثل تحصیل و اشتغال و... قرار داده، بیان کردن آنها بصورت شرط ضمن عقد و یا کمک از قواعد فقهی چون نفی عسر و حرج و... است؟

- آیا این مساله با عقل و اختیار و اراده و عزت و کرامت زن، منافات ندارد؟ و بسیاری از حقوق اجتماعی زنان به خاطر این مساله بصورت قهری و جبری از حوزه اختیارات انسانی آنها خارج نمی‌شود؟

- آیا حکم حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، تنها عامل بازدارندگی خروج زن بدون اذن شوهرش از منزل است و یک زن در نبود این حکم، نمی‌تواند مصلحت خود و خانواده و همسرش را در شرایط مختلف بسنجد و در جهت حفظ آرامش نهاد خانواده، و احترام به حق ریاست مرد، تصمیم معقول و درست بگیرد؟ کما اینکه ما در طول تاریخ همیشه شاهد فداکاری و ایثار زنان و همسران و مادران بسیاری بوده و هستیم، بطوریکه آگاهانه و عاشقانه، از بسیاری از حقوق خود گذشته‌اند. مگر کم هستند مادرانی که با وجود داشتن اذن و اجازه از همسر، به خاطر بزرگ

کردن و تربیت فرزند خود، از تحصیل و اشتغال و تفریحات سالم خود، خود آگاهانه صرف نظر کرده‌اند؟!

پیشینه تحقیق

در رابطه با این موضوع، بصورت خاص و صریح، مقاله یا پایانامه و یا کتابی نوشته نشده و بصورت جزئی و مجزا به بررسی هر کدام از این مباحث پرداخته شده است. مثلا بررسی حقوق زنان، بررسی حکم اذن زوج به خروج زوجه از منزل، بررسی حق اشتغال زنان، یا حق تحصیل زنان، محدوده ریاست مرد بر زن در خانواده و کتاب نشوز زوجین در فقه و نظام حقوق ایران (فرج الله هدایت نیا)

- کتاب بررسی حقوق و تکالیف زنان در فقه با رویکرد تطبیق بر قواعد فقهی (محمد قدرتی شاتوری)

- پایانامه تحلیل و بررسی اذن زوج در خروج زوجه از منزل در فقه مذاهب (طیبه گلدوزها، استاد راهنما: مهدی رهبر، دانشکده علوم حدیث - ۱۳۹۲ - کارشناسی ارشد)

- پایانامه بررسی فقهی و حقوقی مولفه‌های تاثیرگذار بر حکم استیذان از زوج (حسین هادی گلیجان، استاد راهنما: مهدی ساجدی، دانشکده اصول الدین (غیرانتفاعی و غیردولتی) - ۱۳۹۵ - کارشناسی ارشد)

مقاله « بررسی فقهی و حکم تکلیفی اذن زن از شوهر هنگام خروج از منزل »، خلیل اله احمدوند، ستاره آزادی

مقاله « مطالعه تطبیقی محدوده استیذان زوجه برای اشتغال بر فقه فریقین »، عبدالرسول احمد یان

مقاله « فعالیتهای اجتماعی زن و تراحم آن با حقوق زوج با تاکید بر اندیشه‌های حضرت امام خمینی »، عبدالعلی توجهی، زهرا حق محمدی فرد

مقاله « بررسی فقهی مساله خروج زن از منزل بدون اذن شوهر »، سیدمهدی احمدی، سید علی سلیلی

مقاله « باز پژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده لاضرر » ابوالقاسم علیدوست، محمد عشایری منفرد

مقاله « موارد لزوم اطاعت زوجه از زوج در فقه امامیه »، جواد سرخوش، محبوبه حسن زاده لیلا کوهی

مقاله « بررسی مبانی و آثار فقهی و حقوقی اذن زوج بر خروج زوجه از منزل » خلیل الله احمدوند، الهام زمانی و...

دایم زنان ، منجر به بحرانهای اجتماعی چون ، عدم تمایل زنان به ازدواج دایم ، بالا رفتن سن ازدواج و تمایل ایشان به سمت نکاح موقت و در نهایت کاهش جمعیت و ... خواهد شد .

با دقت در مسایل و مشکلات امروزی زنان در خانواده در عدم تناسب میان بعضی از تکالیف شرعی زنان با حقوق جدیدی که در جوامع کنونی ، بعلاوه پیشرفت گسترده و سریع علمی ، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حتی تغییر در سبک زندگی امروزی ، برایشان حاصل شده ، به نظر می رسد که باید میان شرایط جدید و حقوق زنان تطبیق جدیدی صورت بگیرد . در واقع اجتهاد در فقه و پویایی آن یعنی اینکه فقه باید جوابگوی نیازهای زمان خود باشد ، و در عصر کنونی با توجه به مشکلات زنان در خانواده و اجتماع ، حل مشکلات ایشان از نگاه فقه و قانون و بازنگری دقیق و جزئی تر نسبت به این مساله ، بسیار ضروری به نظر می رسد .

از آنجا که آداب و رسوم اجتماعی و بافت اقتصادی جوامع دایما در حال تغییر است ، با پیشرفت تکنولوژی و تغییر شرایط زندگی ، تغییر قانون مطابق با مقتضای این شرایط امری بدیهی است ، لذا باز نگری و تغییر پاره ای از مفاهیم ، مصادیق و موضوعات در فقه و قانون ، با توجه به این تغییرات ، ضروری به نظر می رسد (قربان نیا ، ۱۳۹۲ ، ص ۴۹) . به عنوان مثال در گذشته طبق فتوای بعضی از مراجع چون آیت الله میرزای قمی که در رابطه با نفقه گفته اند : « ظاهر اینست که هزینه مداوای زوجه بر زوج لازم نیست ... و این داخل در نفقه نبوده و همچنین اجرت حمام و نه حجام .. » (میرزای قمی ، بی تا ، ج ۴ ، ص ۴۴۱) اینکه موارد بهداشت و درمان در گذشته وارد در نفقه نبوده است ، قابل تامل است . در حالیکه قبول این مساله در زمان ما اصلا قابل تصور نیست . زنی که بدون اذن و اجازه شوهر نمی تواند از خانه خارج شود و با فعالیت اقتصادی ، درآمدی داشته باشد ، از کجا و چگونه باید هزینه های بهداشت و درمان خودش را نیز تامین کند؟

در عصر حاضر مساله علم آموزی و اشتغال زنان ، یکی از مسایل مهم و لاینفک جامعه اسلامی است . اشتغال زنان در مناصب و شغل هایی چون پزشکی ، معلمی و ... که برای رفع نیازهای حیاتی زنان ، بطور خاص حضور آنها را در جامعه می طلبد ، نیازمند تعلیم و تعلم و آموزش در سطوح مختلف اجتماعی می باشد . لازمه تربیت فرزندان اهل صالح هم در جوامع کنونی اینست که مادران ، خود آگاه به علوم روز عصر خود باشند . پیامبر خدا (ص) می فرماید : « ان طلب العلم فریضه علی کل مسلم ، تحصیل علم و فراگیری علوم

و پژوهشهای دیگری که در تمامی آنها ، علت عدم تحقق حقوق اجتماعی زنان را مواردی چون حکم اذن زوج ، حق ریاست مرد بر زن ، اطاعت مطلق زن از مرد و ... دانسته و به دنبال آرایه راهکار برای حل این تعارضات بوده اند . این پژوهش نیز به روش تحلیلی - توصیفی و استنباطی ، با کمک منابع کتابخانه ای و نرم افزاری ، با جمع اوری ادله و اسناد و منابع در آیات و روایات و بررسی دقیق درباره مفهوم اذن ، ادله اثبات حکم اذن زوج به خروج زوجه از منزل ، و بیان نظرات و آرای مختلف فقها ، با اثبات رد مولوی بودن حکم و پذیرش نظر ارشادی بودن آن ، به بیان قواعد فقهی موید این نظر می پردازد .

تبیین مساله

اسلام در حیاتی ترین مسایل زندگی بشر، چون شیر دادن به کودک ، تربیت فرزند ، رسیدگی به امور منزل و کارهای خانه ، زن را مجبور به انجام آنها نکرده است و با اعتماد به فطرت و سرشت زن در انجام مادرانه و همسرانه زن به این امور، بدون هیچگونه توقع و چشمداشتی ، عزت و کرامت زن را حفظ نموده است . مسلما خروج زن از منزل با اذن و اجازه و اطلاع همسر هم ، یک مساله عقلی ، تربیتی ، و اخلاقی همسو با سرشت و طبیعت زن می باشد ، که زنهاى مسلمان ، برای حفظ حریم مقدس خانواده و آرامش این نهاد ، بدون وجود این حکم هم ، مسلما از این مساله غفلت نمی کنند . حال چرا باید با ازدواج و تشکیل خانواده بواسطه حکم اذن زوج به خروج زوجه از منزل ، سایر حقوق انسانی زن ، از حیطة عقل و اراده و اختیار وی خارج شده و در گرو اذن و اجازه مطلق مرد قرار بگیرد ؟ اسلام و قران در بیشتر مسایل تکلیفی و حقوقی ، نگاه یکسانی به زن و مرد داشته و با مراجعه به مبانی و اصول حاکم بر آموزه ها و مفاهیم بلند آن ، می بینیم که برای زن هم مانند مرد ، حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بسیاری قایل شده است . امام خمینی (ره) معتقد است که زن مانند مرد در آموزش ، کار ، مسافرت و دیگر حقوق اجتماعی آزاد است، در واقع چنین آزادی برای زنان سرنوشت ساز است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۰۰)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ، قوانین زیادی در جهت حقوق اجتماعی زنان و حمایت از حقوق معنوی ایشان تنظیم شده است . اما همانطور که می دانیم ، چنانچه این حقوق در تعارض با اذن زوج قرار بگیرند ، و در ضمن عقد نکاح هم شرط نشده باشند ، اجرا و استفاده ی از این حقوق برای زن ، مجاز که نمی باشد ، گاهی بهره مندی زن از آنها بنا بر شرع حرام هم می شود . شایبه محدودیت در موقعیت های اجتماعی و اقتصادی و استقلال مالی زنان ، با ازدواج

زنی که از نظر شرعی وظیفه واجبی برای کار کردن در منزل ندارد، اعم از تمام امورات منزل، شیر دادن و نگهداری از فرزندان و... پس چرا باید بواسطه اذن همسر در منزل حبس شود؟ آیا این حبس زن در منزل و اذن همسر برای خروج از منزل، شبهه تاثیر غیر مستقیم بر قبول اجباری کارهای داخل منزل توسط زن را ایجاد نمی کند؟

یا زنی که از لحاظ اقتصادی به واسطه تلاش اقتصادی، هدیه، ارث، مهریه و...، در بیرون منزل کسب و کار مستقل قابل رسیدگی داشته باشد، و با مخالفت همسر در خروج از منزل مواجه شود، آیا دیگر عقل و اراده و اختیاری در استفاده و نگهداری و اداره اموال و کسب و کار خود نخواهد داشت؟ آیا از نظر شرع راهی جز رها کردن کسب و کار اقتصادی خود و یا فروش و تفویض امور اقتصادی به غیر ندارد؟

اگر الزام به رعایت واجباتی چون پوشش و حجاب شرعی و حفظ حریم روابط زن و مرد، محدوده و میزان تمکین خاص زن از شوهر، میزان و علت عدم رضایت زوج برای زوجه در خروج از منزل، محدوده فعالیت‌های خانوادگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زن، تبیین صریحتری می شد، شاید دیگر مشکلی برای خروج زن از منزل نمی بود. کما اینکه ما در مباحث فقهی شاهد آزادی عمل بیشتری برای دختران بدون همسر در فعالیت‌های بیرون از منزل هستیم. در حالیکه دختران بدون همسر در جامعه بیشتر در معرض آسیب و خطر و لغزش می باشند و نیاز بیشتری به حمایت پدر و خانواده و امنیت حاصل از اذن ولی دارند. مثلاً مادری را فرض کنید که دارای چند دختر بالغ و بزرگ در خانه است ولی محدودیت‌هایی که این حکم برای این مادر در خانه ایجاد می کند، را دخترانش نداشته باشند؟! در حالیکه عرف جامعه کاملاً بر عکس این موضوع می باشد. یعنی پدر و مادر، احساس خطر بیشتری نسبت به حضور دختران خود بیرون از منزل دارند و پدران با حساسیت و شدت بیشتری برای دختران مجرد خود قایل به این مساله بوده و هستند، در حالیکه چنین حکمی اصلاً در اسلام برای دختران مجرد وارد نشده و دختران مجرد در منزل را فقط بواسطه حکم حرام بودن ایذاء و ناراحت کردن والدین، می توان در خروج از منزل محدود نمود. و ایشان فقط برای ازدواج خود نیاز به اذن ولی دارند که با شرایطی همین اذن هم در شرع، از پدر ساقط می شود.

اما برخلاف مورد فوق، در بعضی از خانواده ها نیز، با وجود شرایط مطلوب و مناسب فعالیت اجتماعی و اقتصادی زن در جامعه، بدون هیچ دلیل موجه معقول و شرعی، با وجود این حکم به هر

اسلامی برای تمام مردان و زنان واجب و لازم می باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۷۲)

لذا با توجه به مشروط مطلق شدن فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زوجه به اذن و اجازه زوج، در بعضی از زندگی‌های خانوادگی، زن را دچار عسر و حرج و محدودیت‌های ناعادلانه کرده ایم.

در اینکه زنان، به اقتضای شرایط روحی و جسمی خود، همیشه و هر لحظه نیازمند حمایت از مردان هستند و امنیت یک زن در خانواده و جامعه با وجود مردان متعهد و با ایمان همیشه تامین شده و می شود، شکی نیست. این مساله خود از اموری است که عزت و کرامت و شان و منزلت زن را می رساند. اما اینکه در استفاده و بهره مندی از حقوق اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زن (با وجود انجام وظایف واجب و مستحبش در خانه و رعایت شونات شرعی در خارج از خانه)، اذن شوهر بر عقل و اراده و اختیار زن بصورت مطلق و حتی بر همه امور شخصی زن، غلبه کند، در واقع حق انتخاب و آزادی و قدرت تشخیص و تمیز زن را زیر سوال برده ایم. و با تعهد ازدواج، از زن تعهد ماندن در خانه گرفته ایم (جز در مواردی که شوهر به وی اذن بدهد) و این مصداق حبس کردن زن در منزل است.

چنانچه یک زن عاقل مسلمان، تمام وظایف شرعی و حقوقی خود را رعایت کند، در منزل همسر داری و تمکین خاص، حسن تبعل، فرزندداری و خانه داری، و در بیرون منزل هم با رعایت کامل پوشش شرعی اسلامی، حفظ حریم روابط با نامحرم، تردد در مکان‌های جایز، که این مسایل بعضاً مشترک میان مرد و زن و بعضی هم مختص زنان هست، آیا مخالفت شوهری که به دلیل غیر منطقی، مانع خروج زن از منزل می شود، با اطاعت مطلق زن از همسر در همه این موارد، زن را از حق آزادی و اراده و اختیارش محروم نکرده ایم؟

براستی یک زن نمی تواند با کمک قدرت تعقل تشخیص بدهد که چه زمانی باید از منزل خارج شود؟ آیا یک زن عاقله با توجه به شرایط زندگی و حضور همسرش در خانه و نیاز فرزندانش در منزل، نمی تواند درک کند که چه زمانی حضورش در منزل واجب است و نباید از منزل خارج شود و چه زمانی بهتر است و می تواند از خانه خارج شود؟ مصادیق زیادی از این تعارضات در جامعه ما، بروز و ظهور یافته اند که ضرورت پیدا کردن راه حل اصولی برای جلوگیری از تنش‌ها و اختلافات خانوادگی را دو چندان می کند.

تمکین خاص و رسیدگی به امورات منزل و حتی انجام وظایفی که شرع آنها را بر زن در خانه واجب نکرده است، همچنین رعایت تمام شیونات شرعی و اخلاقی در خارج از منزل مانند رعایت کامل حجاب شرعی، رعایت حریم روابط با نامحرم، حفظ شان و منزلت و ابرو و حیثیت مرد و خانواده توسط زن در خارج از منزل، بررسی و تحلیل می شود. چرا که موارد یاد شده خود با احکام دیگری چون امر به معروف و نهی از منکر، و سایر حقوق زوج، قابلیت حل و فصل و رفع شدن دارند و وارد در دایره شمول احکام دیگر می شوند و درست نیست که به خاطر احتمال رعایت نشدن این موارد، متوسل به حکم اذن زوج به خروج زوجه از منزل بشویم و این حکم را به عنوان یک عامل بازدارنده گی جهت رعایت موارد ذکر شده بدانیم و اسباب ایجاد محدودیتهای بیشمار دیگری برای زنان بشویم که بعد بخواهیم با قواعدی چون نفی عسر و حرج، اضطرار و ... آنها را رفع کنیم.

حکم اذن زوج به زوجه در خروج از منزل

در مورد حکم لزوم اذن گرفتن زن از شوهر سه قول وجود دارد:

قول اول: از ظاهر کلام بسیاری از فقها استفاده می شود که این حق مطلق است و باید زن مطلقاً اجازه بگیرد مگر در واجبات.

اشکالی که به این قول وارد است اینست که فقهایی که قایل به این حکم هستند، همه موارد وجوب را وارد در این حکم ندانسته اند و مواردی چون صلح رحم که بر مرد و زن واجب است، با این حکم در برخی شرایط، وجوب آن برداشته می شود. همچنین بعضی از واجبات دیگر زنان، که محدوده وسیعی می تواند داشته باشد، با توجه به نیازهای ضروری ایشان با قواعدی چون نفی عسر و حرج و ...، از محدوده وجوب این حکم خارج می شوند.

قول دوم: عدم خروج از منزل مقید است به جایی که موجب نشوز یا مزاحم حق زوج باشد. البته جایی ممکن است مزاحم حق زوج باشد ولی نشوز نباشد مثلاً زوج نیاز به استمتاع دارد ولی زوجه از منزل خارج شده است و قصد گردن کشی هم ندارد، ولی گاهی ناشزه است و در مقام عصیان و گردن کشی است. از کسانی که این قول را پذیرفته اند، مرحوم آیه الله العظمی خویی است (خویی، بیتا، ج ۱۰، ص ۱۰۰)

قول سوم: این حکم مقید به جایی است که خروج منشأ فتنه و فساد است یعنی محیط فاسد است و با خروج او از منزل بیم فساد فتنه می رود. اگر بیم فساد نباشد خروج او از منزل اشکال ندارد.

دللی مثل تعصب و بد دلی، لجبازی و سطحی نگری، زن در مواجهه با شرایطی کاملاً ناعادلانه و غیر منصفانه، مجبور به کنارگذاشتن فعالیتها و حقوق اجتماعی و اقتصادی خود می شود. مثلاً زنی که همسرش صبح تا شب در بیرون منزل مشغول کار است، و زن هم به خاطر نداشتن فرزند، در طول روز، برای انجام اموری چون تحصیل و اشتغال به کارهای موجهی چون معلمی و ...، در محیطی کاملاً شرعی و مناسب، در مدرسه ای کنار منزل خودش، فرصت و شرایط مطلوب فعالیت داشته باشد، به خاطر اجازه خروج نداشتن از منزل توسط شوهرش، باید از این فعالیتهای سالم و مباح که می تواند کمک خوبی برای رشد و کمال و معرفت وی باشد، دست بردارد؟!

به عنوان مثال در زمان کنونی مساله تحصیل دختران و آموزش خواندن و نوشتن و تحصیل آنها در مدرسه، که مستلزم خروج از منزل است، و تاثیر تحصیلات در ازدواج و آینده آنها، یک مساله غیر قابل انکار می باشد. حتی می توان گفت مساله تحصیل دختران در مقاطع مختلف، قبل از دانشگاه، تبدیل به یک امر مسلم و بدیهی شده است. به طوریکه اگر دختری را در مدرسه ثبت نام نکنند، می توان از طریق قانون، پدر را ملزم به فرستادن دختر به مدرسه کرد.

حال این مساله در رابطه با کسب علم و تحصیل در دانشگاه برای یک زن در خانواده به عنوان همسر و مادر، چنانچه در تعارض با سایر وظایف همسری و مادری او مثل تمکین خاص، رسیدگی به امورات فرزندان و کارهای منزل نباشد، نیز می تواند به یک امر بدیهی و غیر قابل تعارض با حق ریاست و اذن زوج، در چارچوب شرع تبدیل شود.

زنان در عصر حاضر با توجه به شرایط زندگی شان، بیش از گذشته نیاز به درک شدن دارند. افزایش جمعیت، فاصله مکانی زیاد با فامیل و دوستان، خانه های کوچک آپارتمانی و بدون حیاط، و به طور کلی زندگی شهر نشینی، عواملی هستند که برای یک زن حبس شده در منزل و به دوراز هرگونه فعالیت اجتماعی و حقوق معنوی، می توانند بحرانهای روحی و جسمی زیادی را برایش ایجاد کند. ابوعلی سینا نیز در این رابطه می گوید: «چنانچه زن بیکار باشد از نظر اخلاقی به فساد کشیده می شود احساس پوچی می کند و خود را به امور لهو و لعب مشغول می سازد و لذا مرد با ید همسر خود را به امور مهمه مشغول سازد (رک منصور نژاد، ۱۳۸۱ ص ۱۴۱)

در این پژوهش، حکم اذن زوج به زوجه در خروج از منزل، با فرض انجام تمام امورات واجب و مستحب زن در منزل، اعم از

اما قول مشهور ، همان قول اول است .

حضرت امام: «اذن همسر لازم است مگر شرط ضمن عقد کرده باشد یا به خاطر کار واجبی از منزل خارج شود.»

آیت الله بهجت: «زن برای امری که وجوب عینی و تعیینی شرعی داشته باشد، نه کفایی و تخییری؛ و یا علم به رضایت شوهر داشته باشد، می تواند بدون اذن او از منزل خارج شود.»

مقام معظم رهبری: «موردی که انجام واجب شرعی یا ضرورت های عقلی متوقف بر خروج از منزل باشد مانند سفر حج یا کسب درآمد برای اداره زندگی، اذن شوهر برای خروج از منزل لازم نیست.»

ایشان ضرورت های عقلی را هم به موارد استثنا اضافه کردند. که همین قید ضرورت های عقلی ، خود شامل موارد زیادی می شود و در واقع به زن اجازه می دهد که با عقل و اراده خود در این مورد تصمیم گرفته و نیازی به اذن نداشته باشد .

آیت الله خویی: «اگر شوهر خرجی نمی دهد که زن ناچار باشد معاش را تهیه کند در موقعی که مشغول تهیه معاش هست، اطاعت شوهر بر او واجب نیست.»

آیت الله سیستانی: «مواردی که خروج واجب است یا ضروری است یا برای کسب نفقه است در فرضی که شوهر نفقه نمی دهد زن می تواند بدون اذن شوهر از منزل خارج شود و از موارد اول است خروج کارمند زن برای کارهای اداری، اگر پیش از ازدواج اجیر بوده است یا بعد از آن با اجازه شوهر اجیر شده است.»

آیت الله صافی: «اگر زن ناچار است خودش معاش را تهیه کند و نمی تواند با اطاعت تهیه معاش کند در موقعی که مشغول تهیه معاش است، اطاعت از شوهر واجب نیست. ولی احتیاط آن است که از حاکم شرع هم اذن بگیرد و در حج واجب اذن همسر شرط نیست.»

آیت الله فاضل لنکرانی: «به طور کلی اگر کاری بر زن واجب باشد و نتواند آن را در خانه انجام دهد یا ضرورتی ایجاد شود که ناچار به خروج از منزل باشد، چنانچه زوج اجازه ندهد، زن می تواند بدون اذن شوهر از منزل خارج شود. بر اساس منابع فقهی لازم است زوجه در عقد دائم، جهت خروج از منزل رضایت شوهر را جلب کند. (ری شهری ، ۹۵/۱۲/۱)

بررسی ادله اثبات حق اذن زوج

روایت اول

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: جَاءَتِ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص مَا حَقُّ الرِّوَجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تُعْصِيَهُ وَ لَا تَصَدَّقَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَ إِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرٍ قَتَبٍ وَ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ إِنْ خَرَجَتْ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ الْأَرْضِ ... (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۵۷، ب ۷۹، ح ۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۶)

از امام باقر (علیه السلام) این چنین روایت کرده اند که فرمود:

زنی خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و پرسید: یا رسول الله حق شوهر بر همسرش چیست؟ حضرت فرمود: از او اطاعت کند و نافرمانی او را نکند و از [اموالی که در] خانه او [است] صدقه ندهد مگر با اجازه او و روزه مستحبی نگیرد مگر با اجازه او و خود را از او دریغ ندارد هر چند که سوار بر شتر باشد، و از خانه خود خارج نشود مگر با اجازه او و اگر بدون اجازه خارج شود، تا زمانی که به خانه اش بازگردد فرشتگان آسمان و فرشتگان زمین و فرشتگان غضب و فرشتگان رحمت او را لعن می کنند. پرسید: بر مرد چه کسی بزرگترین حق را دارد؟ فرمود: پدرش. پرسید: بر زن چه کسی بزرگترین حق را دارد؟ فرمود: شوهرش. پرسید: پس آیا من هم بر شوهرم حق دارم همان طور که او بر من حق دارد؟ فرمود: نه، نه تو یک صدم او هم حق نداری!

اولین سوالی که با خواندن این روایت به ذهن می رسد اینست که با توجه به اهمیت جایگاه زن در خانواده ، چرا میان حقوق متقابل بین زن و مرد در خانواده هماهنگی و تناسبی دیده نمی شود؟ خداوند در قران کریم می فرماید : « ... و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف و للرجال علیهن الدرجه ... » (بقره ۲۲۸) برای زنان همانند وظایف محوله بر ایشان ، حقوق شایسته ای برایشان قرار داده شده است و مردان بر ایشان برتری دارند ،لذا این ایه بر خلاف ظاهر روایت ، به تناسب میان وظایف و حقوق زنان اشاره می کند .

سوال دیگر اینکه اگر این روایت اشاره به اطاعت مطلق زوجه از زوج داشته باشد ، منافات با بعضی از احکام تکلیفی زن خواهد داشت . مثلا با واجب نبودن کار در منزل و شیر دادن کودک توسط زن ، زن از دایره اطاعت کامل از مرد با این روایات خارج می شود. لذا شاید بتوان در رابطه با خروج بدون اذن زوجه از منزل هم ، چنین احکام تکلیفی و مواردی که توسط خود شرع و قانون استثنا می شوند را خارج کرد که اینکار صورت گرفته است . به موارد و مصادیق استثنا شده از این حکم اشاره خواهد شد .

اولا : این روایت اشاره صریحی بر این مطلب دارد که زن با ازدواجش ، به خاطر لزوم اذن شوهر در خروج از منزل ، دیگر نسبت به والدینش وظیفه ای ندارد و این برخلاف نص قرآن مبنی بر احسان نسبت به والدین است. اگر ما قایل به اطاعت مطلق زن از مرد بعد از عقد نکاح شویم ، در واقع باید قایل به این مساله باشیم که وظایف و تکالیف یک زن نسبت به والدینش و دیگر افراد خانواده و اقوام و دوستان ، بعد از ازدواج از وی ساقط می شوند و در گروه اذن و رضایت همسر قرار می گیرند و این به نوعی تداعی عدم اراده و اختیار و ازدادی عمل زنان بعد از ازدواج ، در امور مستحب و مباح مربوط به بیرون از منزل ایشان می باشد و ظاهرا با حقوق اجتماعی و معنوی و اقتصادی زنان که اسلام بعد از دوران جاهلیت نوید ان را به زنان داده بود ، منافات دارد .

و اگر واقعا اینگونه باشد ، لازم می آید که اسلام هر جا از حقوق اجتماعی و اقتصادی و معنوی و سیاسی زنان سخن به میان آورده ، همانجا باید قید اذن و اجازه همسر را هم ضمیمه این حقوق می کرده است و با این مساله ، حقوق اجتماعی و اقتصادی و... زنان ، جایگاهی کم رنگ و کم ارزش ، در حقوق انسانی می داشت و این بر خلاف عزت و ارزشی است که در جای جای قرآن کریم نیز به ان اشاره شده است .

دوما : آنچه از ظاهر روایت برداشت کرده اند ، اینست که این روایت اطلاق دارد لذا می تواند برخی موارد و جویب خروج بدون اذن شوهر را نیز رد کند و این یعنی زندانی کردن زن در خانه که با حکم عقل سازگاری ندارد . و اگر می توان بر ان قید زده و استثنایاتی برای ان قایل شد ، پس با توجه به اقتضایات و شرایط مکانی و زمانی و پیشرفت جوامع ، تغییراتی در این قیود نیز می توان ایجاد کرد و ان ها را کم یا زیاد نمود .

سوما : باید در مضموم این روایت صحیح السند دقت بسیاری شود . شاید این روایت در مورد شرایط خاصی از زوجین گفته شده باشد که نباید انرا تعمیم به عموم داد. آنچه از این روایت برداشت می شود اینست که مرد قبل از سفر از زن خود تعهد مبنی بر عدم خروج از منزل گرفته و چون زن هم به مرد تعهد داده لذا ، تحت هیچ شرایطی نمی توانسته تعهد خود به همسرش را بشکند . اگر زن به مرد تعهدی نمی داد و همسرش را هم می شناخت و می دانست که شوهرش با خروج او از منزل برای امور واجب و حتی مباح مشکلی ندارد ، بدون اجازه خارج شدن او از منزل ، دیگر مصداق گناه و معصیت نمی بود .

اما با تامل در این مصادیق ، می توان فهمید که این مصادیق تحت شرایطی توسط عالم و مجتهد جامع شرایط ، قابل تامل و کم و زیاد شدن هستند . و شرایط روحی و جسمی زوج و زوجه و زمان و مکان زندگی انها ، در تعیین ان بسیار اثر دارد.

روایت دوم

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ بْنِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَعَهَدَ إِلَى امْرَأَتِهِ عَهْدًا أَنْ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّى يَقْدَمَ قَالَ وَإِنْ أَبَاهَا قَدْ مَرَضَ فَبَعَثَتِ الْمَرْأَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَسْتَأْذِنُهُ أَنْ تَعُودَهُ فَقَالَ لَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَاطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَتَقَلُّ فَأُرْسَلَتْ إِلَيْهِ تَائِبًا بِذَلِكَ فَقَالَ اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَاطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَمَاتَ أَبُوهَا فَبَعَثَتْ إِلَيْهِ أَنْ أَبِي قَدْ مَاتَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَصَلِّيَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَاطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَذَفِنَ الرَّجُلُ فَبَعَثَتْ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَ لِأَبِيكَ بِطَاعَتِكَ لِزَوْجِكَ (عاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۷۴، ب ۹۱، ح ۱)

شیخ کلینی از برخی از اصحاب و او از «احمد بن محمد بن خالد برقی» و او از پدرش که هر دو ثقة هستند و او از «عبدالله بن قاسم حضرمی» که غالی است و او از «عبدالله بن سنان» که «ثقة جلیل» است، نقل می کند. بنا بر این، روایت ضعیف است. «عبدالله بن سنان» می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود:

در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مردی از انصار برای کاری رفت مسافرت و از همسرش پیمان گرفت که تا او باز گردد، از خانه بیرون نرود، پدر زن مریض شد و قاصدی خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستاد تا از او اجازه خواهد که به عیادت پدر رود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه نداد و پیغام داد که در خانهات بنشین، و فرمان شوهر ببر. حال پدرش وخیم شد و دوباره کسی را فرستاد تا اجازه بگیرد، اما دوباره حضرت فرمود: در خانهات بنشین، و فرمان شوهر ببر. پدرش از دنیا رفت، زن پیغام داد که پدرم گفته باید به جنازه اش نماز بخوانم، اما حضرت فرمود: در خانه بنشین و شوهر را اطاعت کن. مرد را دفن کردند، پیامبر برای زن قاصدی فرستاد که به واسطه اینکه که از شوهرت اطاعت کردی خداوند متعال تو و پدرت را آمرزد.

این حدیث از لحاظ سندی معتبر می باشد و یکی از مهمترین دلایل حرمت خروج زوجه بدون اذن زوج محسوب می شود .

در رابطه با این روایت نیز دو مساله قابل طرح می باشد :

آیا زن می‌تواند بدون اجازه شوهرش از خانه خارج شود؟ فرمود: خیر. پرسیدم: آیا زن می‌تواند بدون اجازه شوهرش روزه بگیرد؟ فرمود: اشکالی ندارد.

روایت چهارم

و عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْجَامُورِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ غَمْرٍو بْنِ جُبَيْرِ الْعَزْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقَّ الزَّوْجُ عَلَيَّ الْمَرْأَةَ فَقَالَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ قَالَتْ فَخَبَّرْتَنِي عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ قَالَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَصُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْنِي تَطَوُّعًا وَ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا (بِغَيْرِ إِذْنِهِ) وَ عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيِّبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَ تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدُوَّةً وَ عَشِيَّةً وَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ حَقُّوْقُهُ عَلَيْهَا. (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۵۸، ب ۷۹، ح ۲)

در سند این روایت «عبدالله جامورانی» است که «ضعفه القميون» و «حسن بن علی بن ابی حمزه» است که از رؤسای واقفیه است، لذا سند آن مشکل دارد. طبق این روایت امام صادق (علیه السلام) فرمود: زنی آمد خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و عرض کرد: یا رسول الله حق شوهر بر همسرش چیست؟ فرمود: از آنچه تصور می‌کنی بیشتر است. گفت: از برخی از این حقوق مرا خبر ده، فرمود: زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهرش روزه بگیرد، یعنی روزه مستحبی، و نمی‌تواند از خانه خود بدون اجازه شوهرش خارج شود و باید بهترین عطرها را استفاده کند و بهترین لباس‌ها را بپوشد و خود را به بهترین زینت‌ها زینت کند و صبح و شام خود را به وی عرضه کند و بیش از اینهاست حقوق شوهر بر همسرش.

روایت پنجم

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَقْدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ ع عَنْ النَّبِيِّ ص فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي قَالَ: وَ نَهَى أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَإِنْ خَرَجَتْ لَعْنَتْهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَ كُلُّ شَيْءٍ تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا... (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۱۱، ب ۱۱۷، ح ۵)

شیخ صدوق به اسنادش از «شعیب بن واقد» که مجهول است و او از «حسین بن زید» که «علی التحقیق» ثقه است، نقل می‌کند. پس روایت ضعیف السند است. طبق این نقل امام صادق (علیه السلام) از پدرانش (علیهم السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نقل فرموده که:

نظر ایت الله ریشهری نیز اینست که برخی از روایاتی که در اثبات ادله حکم لادن زوج آورده شده یا «قضیه فی واقعه» هستند یا روایات اخلاقی هستند. (ری شهری، ۹۵/۱۲/۱)

به نظر می‌رسد این قضیه که با نقل‌های مختلف به ما رسیده، «قضیه فی واقعه» بوده و شاید این خانم شرایط خاصی داشته که نباید از خانه خارج می‌شده یا مثلاً خروج او موجب می‌شده که شوهرش او را طلاق دهد. از طرفی در این روایت سخن از عهد و پیمان است که چیزی فراتر از اذن گرفتن و حتی نهی از خروج است.

روایت سوم

عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أُخِيهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ أَلْهَا أَنْ تَخْرُجَ بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا قَالَ لَا وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ أَلْهَا أَنْ تَصُومَ بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا قَالَ لَا بَأْسَ. (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۵۹، ب ۷۹، ح ۵)

«علی بن جعفر العریضی» در کتابش از برادرش یعنی امام کاظم (علیه السلام) نقل می‌کند. قبر ایشان در چند کیلومتری مدینه قرار داشت و ما گاهی به زیارت قبرشان می‌رفتیم تا اینکه چند سال قبل سعودی‌ها به دلایلی نبش قبر کردند و طبق نقل جنازه ایشان را در بقیع دفن کردند.

آیت الله خوبی این روایت را صحیح خوانده‌اند؛ ولی طبق نظر آیت الله شبیری زنجانی که از علمای فن رجال هستند، چنین نیست. ایشان می‌فرمایند: کتاب «علی بن جعفر» که با عنوان مسائل علی بن جعفر چاپ شده است به مرحوم مجلسی رسیده است، ولی سند بسیار ناشناخته‌ای دارد. مرحوم شیخ حر عاملی هم که آنها را نقل می‌کند بر اساس اجازه‌ای است که مرحوم مجلسی به ایشان داده است. (این دو به هم در نقل حدیث، اجازه متقابل داده‌اند) این روایات غالباً با روایاتی که مرحوم کلینی به طریق «عمری» از «عبدالله بن جعفر حمیری» نقل می‌کند، مطابقت می‌کند و فقط در تعدادی از موارد مطابق نیست که به نظر ما در این موارد غیر مطابق که این روایت هم از جمله آنهاست، دچار اشکال سندی است. پس این روایت برای استدلال دارای مناقشه و تأمل است، ولی برای تأیید خوب می‌باشد (زنجانی، ج ۲۴، ص ۷۶۴۹)

به هر حال، در این روایت آمده که ایشان از امام کاظم (علیه السلام) سؤال می‌کند:

زَوْجِي أَمْرِي أَنْ لَا أُخْرَجَ إِلَى قَرِيبٍ وَ لَا إِلَى بَعِيدٍ حَتَّى يَرْجِعَ مِن
سَفَرِهِ وَ إِنَّ أَبِي فِي السُّوقِ فَأَخْرَجَ إِلَى أَبِي فَقَالَ لَهَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ
وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ فَجَلَسَتْ وَ أَطَاعَتْ زَوْجَهَا فَمَاتَ الْأَبُ فَأُرْسِلَ إِلَيْهَا
رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لِأَبِيكَ بِطَاعَتِكَ لِزَوْجِكَ. (محدث
نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۶ ب ۷۱، ح ۱)

محدث نوری در مستدرک از جعفریات نقل کرده که به سند فوق
امام علی (علیه السلام) فرمود:

زنی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: همسر
گفته نباید تا زمانی که از سفر بر می‌گردم از خانه خارج شوم نه
جای نزدیک و نه جای دور، در حالی که پدرم در حال احتضار است
و می‌خواهم پیش او بروم؟ فرمود: بنشین در خانه‌ات و از شوهرت
فرمان ببرا! او نیز نشست و از به گفته شوهرش عمل کرد تا اینکه
پدرش از دنیا رفت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای زن
قاصدی فرستاد که به واسطه اینکه که از شوهرت اطاعت کردی
خداوند متعال پدرت را آمرزید.

این روایت خلاصه همان روایت چهارم بود که در کافی نقل شده
بود، چه اینکه در روایت بعدی نیز همین جریان به شکل دیگری
نقل شده است.

روایت هشتم

دَعَائِمُ الْأِسْلَامِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص: أَنَّ امْرَأَةً أُرْسِلَتْ إِلَيْهِ فَسَأَلَتْهُ
فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ زَوْجِي خَرَجَ إِلَى سَفَرٍ وَ أَمْرِي أَنْ لَا أُخْرَجَ مِنْ
بَيْتِي وَ إِنَّ أَبِي فِي السِّيَاقِ وَ قَدْ أَشْفَى عَلَى الْمَوْتِ فَهَلْ لِي أَنْ أُخْرَجَ
إِلَيْهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلرَّسُولِ قُلْ لَهَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي
زَوْجَكَ فَفَعَلَتْ وَ مَاتَ أَبُوهَا فَأُرْسِلَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ أَمَا إِنَّ
اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لِأَبِيكَ بِطَاعَتِكَ لِزَوْجِكَ... (محدث نوری، ۱۴۰۸ق،
ج ۱۴، ص ۲۵۷ ب ۷۱، ح ۳)

محدث نوری به نقل از دعائم الاسلام از رسول خدا (صلی الله علیه
و آله و سلم) چنین روایت کرده است:

زنی کسی را فرستاد و از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
پرسید: یا رسول الله همسرم رفته مسافرت و به من گفته که نباید از
خانه‌ام خارج شوم در حالی که پدرم در حال احتضار است و در
شرف مُردن است، آیا اجازه دارم بروم پیش او؟ حضرت به فرستاده
آن زن فرمود: به او بگو: بنشین در خانه‌ات و از شوهرت فرمان ببرا! او
نیز چنین کرد و وقتی پدرش از دنیا رفت، حضرت کسی را فرستاد
پیش زن که همانا خداوند به واسطه اینکه از شوهرت اطاعت کردی،
پدرت را آمرزید.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از اینکه زن از خانه‌اش بدون
اجازه شوهرش خارج شود، نهی فرمود، پس اگر بدون اجازه خارج
شود، همه فرشتگان آسمان و هر جن و انسی که از کنارش عبور
کند تا زمانی که برگردد او را لعن می‌کنند.

این حدیث به حدیث «مناهی» معروف است، یعنی حدیثی که در
آن نهی های متعددی آمده است. نهی در این حدیث ظهور در
حرمت ندارد چون در این حدیث مکروهات هم ذکر شده است. اما
لعن انتهای حدیث با آن شدتی که بیان شده است، تأکید در حرمت
را می‌رساند. (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۵۴، باب ۱۱۷، ح ۵)

همچنین این روایت به این معنی است که این زینت مقدمه عمل
نامشروع است و این قرینه است بر این که در مورد خروج هم هر
خروجی مراد نیست بلکه خروجی مراد است که در آن احتمال فساد
و فتنه بوده و مقدمه روابط نامشروع است، به خصوص که لعن به
این شدت نمی‌تواند هر خروجی را شامل شود (مثلاً برای خرید
حوائج خانه).

روایت ششم

بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو وَ أَنَسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ ص لِأَعْلَى ع قَالَ: يَا عَلِيُّ لَيْسَ عَلِيٌّ
النِّسَاءَ جُمُعَةً وَ لَا جَمَاعَةً وَ لَا أَذَانَ وَ إِقَامَةً وَ لَا عِبَادَةَ مَرِيضٍ... وَ لَا
تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَإِنْ خَرَجَتْ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ وَ جِبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ... (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۱۱،
ب ۱۱۷، ح ۶)

شیخ صدوق به اسنادش از «حماد بن عمرو» و از «انس بن
محمد» و او از پدرش که هر سه نفر مجهول الحال هستند، نقل
می‌کند که امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدرانش (علیهم
السلام) فرمود: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به امام علی (علیه
السلام) این طور وصیت نمود:

ای علی! بر زنان نه شرکت در نماز جمعه و جماعت واجب است و
نه گفتن اذان و اقامه و نه رفتن به عیادت مریض... و نباید از خانه
همسرش بدون اجازه وی خارج شود و اگر بدون اذن او خارج شد،
خدا و جبرئیل و میکائیل وی را لعن می‌کنند.

روایت هفتم

الْجَعْفَرِيَّاتُ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا
أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع: إِنَّ امْرَأَةً سَأَلَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَتْ إِنَّ

روایت نهم

عَوَالِي اللَّارِي، عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعْنَهَا كُلُّ شَيْءٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ إِلَى أَنْ يَرْضَى عَنْهَا زَوْجُهَا. (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۸، ب ۷۱، ح ۸)

محدث نوری به نقل از عوالی اللالی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده که:

هر زنی که از خانه شوهرش بدون اجازه او خارج شود، هر آنچه که خورشید و ماه بر آن می‌تابند، او را لعن می‌کنند تا اینکه شوهرش از او راضی گردد.

روایت دهم

محدث نوری روایت مفصلی را از مجموعه‌ای قدیمی از نوشته‌های «احمد بن عبدالعزیز جلودی» نقل می‌کند که به حدیث «حولاء عطارة» معروف است و از اینجا شروع می‌شود که روزی شوهر این خانم که عطرفروش خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود به او دستوری می‌دهد؛ ولی او از فرمان شوهرش سرپیچی می‌کند. شوهرش از دست او ناراحت می‌شود. زن پشیمان می‌شود و هر کاری می‌کند که شوهرش را او ببخشد، فایده‌ای ندارد. از ترس اینکه دچار عذاب الهی نشود، خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌رسد و جریان را تعریف می‌کند. اینجاست که حضرت سفارشاتى درباره همسرمداری به این خانم بیان می‌دارند. بخشی از متن روایت چنین است:

قَالَ: إِنَّ الْخَوْلَاءَ كَانَتْ امْرَأَةٌ عَطَّارَةٌ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص فَلَمَّا كَانَتْ يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ امْرَأَتُهَا بِمَعْرُوفٍ فَأَنْتَهَرَتْهُ فَأَمْسَى وَ هُوَ سَاخِطٌ عَلَيْهَا... خَرَجَتْ سَائِرَةً إِلَى دَارِ رَسُولِ اللَّهِ ص ... فَقَالَ ص: يَا خَوْلَاءُ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا تَحْضُرُ عُرْسًا إِلَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ لَعْنَةً عَنْ يَمِينِهَا وَ أَرْبَعِينَ لَعْنَةً عَنْ شِمَالِهَا وَ تَرَدُّ اللَّعْنَةُ عَلَيْهَا مِنْ قَدَامِهَا فَتَعْمُرُهَا حَتَّى تَغْرُقَ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهَا إِلَى قَدَمِهَا وَ يَكْتَسِبُ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُلِّ خَطْوَةٍ أَرْبَعِينَ خَطِيئَةً إِلَى أَرْبَعِينَ سَنَةً فَإِنْ أَتَتْ أَرْبَعِينَ سَنَةً كَانَ عَلَيْهَا بِعَدَدِ مَنْ سَمِعَ صَوْتَهَا وَ كَلَامِهَا ثُمَّ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا دَعَاءٌ حَتَّى يَسْتَعْفِرَ لَهَا زَوْجُهَا بِعَدَدِ دَعَائِهَا لَهُ وَ إِذَا كَانَتْ تِلْكَ اللَّعْنَةُ [عَلَيْهَا] إِلَى يَوْمِ تَمُوتُ وَ تَبْعَثُ يَا خَوْلَاءُ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَ رَسُولًا مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَصَلَّى خَارِجَةً عَنْ بَيْتِهَا أَوْ دَارِهَا إِلَّا أَتَاهَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِتِلْكَ الصَّلَاةِ فَتَضْرِبُ بِهَا وَجْهَهَا ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا إِلَى النَّارِ... (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۳۹ - ۲۴۱، ب ۶۱، ح ۲)

ای حولاء! سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، هیچ زنی بی اذن همسر از خانه بیرون نرود که در مجلس عروسی حاضر شود، مگر آنکه خداوند چهل لعنت از راست و چهل لعنت از چپ و لعنتی از پیش رویش بر او فرود آورد تا سراپای وجودش را لعنت فرا گیرد و در لعنت غرق شود؛ و خداوند به هر گامی که بر می‌دارد چهل گناه تا چهل سال برایش می‌نویسد. پس اگر به سن چهل سالگی رسید و چهل بر او تمام شد، به شماره افرادی که صدا و سخنش را شنیده‌اند، لعنت نوشته می‌شود، همچنین دعایش و اجابت نمی‌شود مگر اینکه شوهرش به تعداد دعاهایی که زن برای او می‌نماید، استغفار کند و اگر همسرش برای او استغفار نکند این لعنت و دوری از رحمت خداوند سبحان، تا روز قیامت و روزی که می‌میرد و برانگیخته می‌شود، ادامه می‌یابد.

ای حولاء! سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری و رسالت فرستاده و برانگیخته است؛ هیچ زنی بیرون از خانه یا اتاقش (بی اذن همسر) نماز نمی‌گزارد، مگر آن که روز قیامت خداوند آن نمازش را می‌آورد و بر صورتش می‌زند. سپس امر می‌کنند تا او را به آتش برند...

روایت یازدهم

آخرین روایت هم از من لا یحضره الفقیه است، می‌فرماید:

وَ قَالَ ع أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَضَعَتْ ثَوْبَهَا فِي غَيْرِ مَنْزِلِ زَوْجِهَا أَوْ بَغَيْرِ إِذْنِهِ لَمْ تَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ إِلَى أَنْ تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۴۰)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر زنی که در غیر خانه شوهر، یا بدون اجازه شوهر لباس از تن بیرون کند پیوسته مورد لعن و نفرین خداوند است تا هنگامی که به منزل خود باز گردد.

فقه الحدیث روایات

در میان روایاتی که خوانده شد، روایات صحیح‌السندی وجود داشت که ظاهرشان بر حرمت خروج زوجه بدون اذن زوج مطلقا دلالت داشت؛ ولی برخی از فقها از این روایات به طور مطلق حرمت خروج را استفاده نکرده‌اند. مثلا آیت الله نائینی و آیت الله خویی این اطلاق را نپذیرفته‌اند.

خروج از منزل بدون اذن شوهر طبق فتوای مشهور جایز نیست هر چند مرحوم خویی در آن هم مناقشه کرده اند ولی مفاد روایات این است که «لا تخرج من بیتها بغیر اذن زوجها».

به عنوان مثال در مورد نهی از ازدواج با اماء روایات متعددی داریم و دلیل آن این است که در آن زمان اماء به سادگی روابط نامشروع بر قرار می کردند و حتی بعضی ها اماء خود را به این اعمال وادار می کردند و پول می گرفتند، که قرآن از آن نهی می کند، پس این نهی ها به خاطر این است که در آن زمان این عمل به جهت جدید الاسلام بودن مبتلی به بوده و به همین جهت روایات متعددی از آن نهی کرده است. (مکارم ۱۸/۲۴۸)

روایتی هم که در آن آمده بود: «أَيُّمَا امْرَأَةً وَضَعْتُ ثَوْبَهَا فِي غَيْرِ مَنْزِلِ زَوْجِهَا أَوْ بَعِيرٍ إِذْنُهُ لَمْ تَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ إِلَى أَنْ تُرْجَعَ إِلَيَّ بَيْتِهَا» مؤید این مطلب است، زیرا در آوردن لباس کنایه از آلودگی دامن است. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص: ۴۴۰)

شهید مطهری در باب حکم اذن زوج به خروج زوجه از منزل فرمودند: «اگر از فقها سؤال کنیم که آیا صرف بیرون رفتن زن از خانه حرام است یا نه؟ جواب می دهند: نه.» سپس دو شرط برای آن بیان می کنند، می فرمایند:

فقط دو مسأله وجود دارد؛ یکی اینکه باید پوشیده باشد و بیرون رفتن به صورت خودنمایی و تحریک آمیز نباشد.

و دیگر اینکه مصلحت خانوادگی ایجاب می کند که خارج شدن زن از خانه توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت اندیشی او باشد. البته مرد هم باید در حدود مصالح خانوادگی نظر بدهد نه بیشتر. گاهی ممکن است رفتن زن به خانه اقوام و فامیل خودش هم مصلحت نباشد. فرض کنیم زن می خواهد به خانه خواهر خود برود و فی المثل خواهرش فرد مفسد و فتنه انگیزی است که زن را علیه مصالح خانوادگی تحریک می کند. تجربه هم نشان می دهد که این گونه قضایا کم نظیر نیست. گاهی هست که رفتن زن حتی به خانه مادرش نیز برخلاف مصلحت خانوادگی است، همینکه نفس مادر به او برسد تا یک هفته در خانه ناراحتی می کند، بهانه می گیرد، زندگی را تلخ و غیرقابل تحمل می سازد. در چنین مواردی شوهر حق دارد که از این معاشرت های زیان بخش - که زیانش نه تنها متوجه مرد است، متوجه خود زن و فرزندان ایشان نیز می باشد - جلوگیری کند. ولی در مسائلی که مربوط به مصالح خانواده نیست دخالت مرد مورد ندارد. (مطهری، ۱۳۷۶ج ۱۹، ص ۴۴۸)

مرحوم سید (رضوان الله تعالی علیه) حرف مرا نمی زند، اما در اینجا این حرف را دارند که اگر خانمی بخواهد معتکف شود، اجازه ی شوهر را می خواهد، به شرط اینکه حق شوهر ضایع شود؛ یعنی اگر

روایاتی که از آن به عنوان ادله اثبات حکم یاد شده و فقها در بیان نظرات و فتاوای خود به آن استناد کرده اند، هم از حیث سندی و هم از حیث دلالت، بررسی می کنیم.

در احکام فقهی عدم خروج زوجه بدون اذن زوج از منزل، دو مین حقی است که زوج بر زوجه دارد که در بیانات فقها و مرحوم امام هم به آن اشاره شده است. درباره این حق عامه و خاصه بحث کرده اند و غالباً آن را قبول کرده و از قبیل ارسال مسلمات می دانند. لذا می توان گفت که مسئله عدم خروج از منزل از حقوقی است که اجماع بر آن قائم است و مخالفی ندارد.

با این که مسئله ظاهراً مخالفی ندارد و روایات متعددی هم دلالت بر آن دارد، بررسی این روایات از نظر سند و دلالت از دیدگاه فقها قابل تامل است.

شهید ثانی می فرماید: «و منه (حق زوج) عدم الخروج من منزله (زوج) بغیر اذنه (زوج) ولو إلى بیت أهلها حتی عیاده مرضاهم و حضور میتهم و تعزیتهم». (شهید الثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۰۸)

مرحوم صاحب حدائق با بیان روایات قوی السند (بحرانی، ج ۲۳، ص ۱۲۱) و مرحوم صاحب جواهر بصورت ارسال مسلم (جواهری، ۱۳۶۲ج ۳۱، ص ۱۴۷) این مسأله فقهی را صحه گذاشته و پذیرفته اند.

نظر بعضی از فقها در رابطه با اطلاق این روایات و عمل به آنها پس اصل مسئله متزلزل می شود یعنی این که آیا این حرمتی که برای خروج بدون اذن ذکر کردیم، حرمت مطلقه است یا حرمتی است که مقید به نشوز شود یا حرمتی که مقید به فساد باشد؟ یعنی اگر خروج از منزل مستلزم فساد باشد حرام است، پس معلوم می شود اجماع بر حرمت مطلقه نیست، چون همان گونه که بیان شد عده ای با آن مخالفند، بنابراین مسئله به این وضوح و روشنی نیست که فقها به سادگی از آن گذشته اند.

این سؤال پیش می آید که آیا باید به اطلاق این احادیث عمل کنیم یا این احادیث در مورد جایی است که نشوز (سرکشی در مقابل زوج) یا فتنه و فساد لازم بیاید یا این که بگوییم این روایات برای زنان صدر اسلام است که به زمان جاهلیت نزدیک و جدید الاسلام بودند، بنابراین بعضی از رسوم جاهلیت در میان آنها بود و برای کنترل آنها در روایات چنین فرموده اند، که اگر چنین بگوییم اصل مسئله متزلزل شده و لوازم آن مثل نشوز و فتنه و فساد حرام می شود و شاهد این مسئله این است که غالب روایات لعن و نهی از زمان پیامبر (ص) است.

چون بدون اجازه‌ی شوهر به دیدن مادرش می‌رود، حرام است، گفتن این حرف مشکل است.. (مظاهری ۹۵/۶/۱۰)

مستثنیات حکم اذن زوج

با توجه به فتوای علما و مراجع عظام، زن تنها در موارد زیر می‌تواند بدون اذن زوج از منزل خارج شود:

خروج بدون اذن زوج، شرط ضمن عقد نکاح شده باشد. اگر زن در موقع عقد شرط کرده که تحصیلاتش را ادامه دهد یا در خارج منزل کار کند و شوهر هم پذیرفته است، این شرط خلاف شرع و مقتضای عقد نیست و شرط جایز است و باید به آن عمل شود. کسب علومی که از واجبات عینی به شمار بروند (آموزش احکام شرعی در حد نیاز) نه واجبات کفایی که در صورت عدم کفایت تبدیل به واجب عینی برای زن می‌شوند.

احقاق حق و دادخواهی و شکایت و ادای شهادت.

برای انجام فریضه حج واجب

مرد نفقه زوجه را تامین نکند و زوجه برای تامین نفقه مجبور به خروج از منزل باشد.

خروج زن کارمند، چنانچه قبل از ازدواج تعهد کاری به جایی داده باشد.

فرار از ضررهای جانی و مالی و عرضی

خروج از منزل جهت درمان بیماری

جهت نجات نفس مطمئنه

شرکت در انتخابات

شرکت در راهپیمایی‌های مهم

اگر منزل مسکونی آماده شده توسط زوج غصبی باشد، زن بدون اذن همسر می‌تواند آنجا را ترک کند.

چنانچه ماندن در خانه باعث عسر و حرج غیر قابل تحمل باشد (مثلاً خوف جانی داشته باشد یا با ماندن در منزل ضرر جسمی و روحی معتد به به او عارض شود).

ایت الله مکارم شیرازی موارد زیر را هم جزو مستثنیات بیان کرده اند:

ادای دیون و امانات، صلح رحم به مقدار واجب و به طور کلی واجباتی که مقدمه آن خروج از منزل است اذن شوهر لازم نیست. صلح رحم لفظی نیست که حقیقت شرعیّه داشته باشد، بلکه صلح به

این زن معتکف شود و حق شوهر ضایع نمی‌شود و ولو اجازه هم ندهد، طوری نیست. لذا ما در اعتکاف، بلکه در همه‌ی مستجاب این حرف را می‌گوییم. مثلاً شوهر زنی به خارج رفته و این زن تنها است و با پدر و مادرش به مشهد می‌رود؛ یا شوهرش آدم لابلالی است و مشهد و کربلا را قبول ندارد، اما حق شوهر هم نیست که ادا کند، بنابراین بدون اجازه‌ی شوهر به کربلا می‌رود. مرحوم سید می‌فرمایند: طوری نیست. عبارت مرحوم سید این است: «السابع: إذن السيد بالنسبة إلى مملوکه؛ ... و كذا يعتبر إذن المستأجر بالنسبة إلى أجيبره الخاص وإذن الزوج بالنسبة إلى الزوجة إذا كان منافيا لحقه.» (همان)

روایتی هست که زنی بود که پدرش مریض شد، شوهرش هم به مسافرت رفته بود. فرستاد خدمت پیغمبر اکرم (ص) و گفت: یا رسول الله! (ص) شوهرم نیست، شما اجازه بدهید من به عیادت پدرم بروم. پیغمبر (ص) فرمودند نه، نمی‌خواهد به عیادت او بروی. چند روز بعد پدرش دم مرگ رفت و این زن پیغام داد: یا رسول الله! (ص) پدرم دم مرگ است، اجازه بدهید به عیادت او بروم. باز پیغمبر (ص) فرمودند: نمی‌خواهد به عیادت او بروی. پدرش مُرد و آن زن گفت: یا رسول الله! (ص) اجازه بدهید او را تشییع جنازه کنم. پیغمبر (ص) فرمودند: نمی‌خواهد بروی. بعد پیغمبر (ص) فرمودند: خدا تو و پدرت را آمرزد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۳، ح ۲)

گفتن این‌گونه روایات اخلاقی برای زنها خوب است، اما احدی روی آنها فتوا نداده است. حال مرحوم سید حسینی می‌فرمایند: مثلاً پدرش مریض است و شوهر می‌گوید: به دیدن پدرت نرو. اگر در اینجا حقی از شوهر ضایع نمی‌شود، جایز است به عیادت او بروی؛ برای اینکه حقی از شوهر ضایع نشده است.

مثلاً کسی شوهرش نیست و پدرش مریض است و می‌خواهد بدون اجازه‌ی شوهرش سری به پدرش بزند، یا از من زیاد سوال می‌کنند که شوهرم با پدر و مادرم بد هستند و پدر و مادرم دلشان برای من تنگ می‌شود و بدون اجازه‌ی شوهرم می‌روم سری به پدر و مادرم می‌زنم. آیا یواشکی بروم یا نه؟ یا اگر حتی اگر نهی کند، بروم یا نه؟ مشهور می‌گویند: نه. اما اگر به راستی در مسأله جرأت باشد، می‌گوییم: مانعی ندارد. به عنوان مثال شما روزی دنبال بحث و درس و نماز رفتید و زن شما در خانه تنها است و مادرش تلفن می‌کند که بیا سری به من بزن و او هم به مادرش سری می‌زند و برمی‌گردد، آیا این حرام است و هر قدمی که برمی‌دارد زمین او را لعن می‌کند؟ باید اینها را بر آنجایی حمل کنیم که به دنبالش مفسده‌ای پیدا شود و الا اگر مفسده‌ای بر آن بار نباشد، ولی بگوییم:

دایره شمول موارد مستثنی شده خیلی بیشتر از دایره شمول خود این حکم باشد. لذا منطقی به نظر می رسد که این حکم یک حکم ارشادی و اخلاقی باشد تا یک حکم مولوی.

اگر این حکم را یک قضیه شرطیه فرض کنیم: « زن در تمام موارد خروج از منزل نیاز به اذن همسرش دارد الا موارد مستثنی شده.»

مستثنی در اینجا: « تمام موارد خروج از منزل زن»

مستثنی منه: « مواردی که زن برای خروج از منزل نیاز به اذن همسر ندارد.»

با دقت در موارد مستثنی منه، دانسته می شود که دایره شمول مستثنی منه بواسطه قاعده نفی و عسر و حرج و اضطرار و... خیلی گسترده تر از دایره شمول مستثنی می باشد. البته برای درک این مطلب توضیحات بیشتری لازم است. (فامل!!)

نکته دوم: با دقت در بعضی از این مصادیق، مثل شرکت در راهپیمایی های ضروری، بدون اذن زوج، می توان به موارد ضروری دیگری که در شرایط کنونی، اهمیت و جایگاه ویژه ای در خانواده و عرف و اجتماع، از نگاه زنان دارد، اشاره کرد. مثلا تحصیل علم و اشتغال در مناصبی چون پزشکی و معلمی و... را که نیاز جامعه امروز زنان هست را با دقت و ظرافتی خاص بطوریکه اسببی به نقش ریاست مرد و خدشه به نهاد مقدس خانواده نزند، وارد در این مصادیق نمود.

سوال مهم دیگری که جواب آن همیشع مسکوت مانده این است که در شرع و قانون، که در بیشتر جاها از حقوق مشترک و برابر زنان با مردان در تمامی ابعاد عبادی و علمی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی با حفظ شیونات اسلامی، سخن آمده است، با توجه به مطلق بودن این حکم و اهمیت آن، پس چرا برای دستیابی زنان به این حقوق، اشاره صریحی به مساله اذن زوج و ریاست مرد بر در تمام ابعاد زندگی زن در خانواده و مشروط بودن این حقوق به اذن مرد نشده است؟

اگر گستره و محدوده اذن زوج برای خروج زوجه از منزل، را شامل همه موارد غیر از مواردی که شرع آنها را جایز دانسته بدانیم مثل مواقع اضطراری، درمان، انتخابات و راهپیمایی و...، عملا حقوق اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زیادی برایش قابل نبوده ایم.

دلایل تنقیذ اذن خروج زوجه به زوج

معنی رابطه است یعنی با اقوام و بستگان رابطه داشته باشد که تفاوت مقامات و اشخاص و ارحام متفاوت است، بعضی از ارحام است که اگر با تلفن هم احوال پرسی شود صلح محسوب می شود ولی بعضی از ارحام را باید حضوری دیدار کرد، پس مقامات مختلف است و فرقی بین صلح رحم واجب و ادای دیون و یا حج واجب نیست. حضور بر بالین پدر و مادر در لحظات پایانی عمر و یا تشییع جنازه هر یک از آنها و یا حضور در مجالس ترحیم آنها هم از صلح رحم و شرکت در اینها لازم است. البته گاهی مفاسدی هست که در این صورت صلح رحم مانع دارد. مثل این که فامیل آلوده است در اینجا پذیرفته می شود که زوجه را منع کند ولی در غیر آن پذیرفته نمی شود. لذا زوج نمی تواند زوجه را از صلح رحم منع کند، به عنوان مثال در هفته نیم ساعت می خواهد پدر و مادر را ببیند که منافاتی با حق زوج ندارد؛ منع کند. و یا چنانچه از ماندن در خانه خسته شود و با بیرون رفتن بخواهد روحیه اش را تازه کند. همچنین تحصیل علم واجب مانند عقاید، فروع فقهیه، مسائل اخلاقیه و... اگر در داخل منزل تحصیل این علوم ممکن نشد در این صورت نیز خروج از منزل لازم است، و هکذا اگر دور ماندن از مجالس دینی باعث نسیان و فراموشی و بی اعتنائی به دین شود، به خصوص در زمان ما که اگر زنها از جمعه و جماعت منع شوند مانند بریده شدن از منبع فیض است و کم کم به فساد کشیده می شوند. پس حتی زوج نمی تواند از رفتن به مسجد در جایی که سبب تعلم احکام اسلامی و واجبات می شود، زوجه را منع کند.

اگر زن یک سال در خانه بماند و از خانه خارج نشود روانی و بیماری می شود و باعث عسر و حرج و خلاف «عاشروهن بالمعروف» است، پس خروج از منزل در حد نیاز برای رفع عسر و حرج اشکالی ندارد. (مکارم ۸۴/۲۲۰)

گفته شده که با بیان این مستثنیات برای بروز اشکال و شبهه در مورد بروز مرد سالاری و زن سالاری در خانواده جایی باقی نمی ماند و با توجه به آنها به ظاهر در خانواده اعتدال رعایت می شود. اما در جواب باید گفت که بیان این مستثنیات، خصوصا مورد عسر و حرج، که مصادیق آن در هر خانواده از خانواده های دیگر قطعا متفاوت می باشد، نمی توان به تحقق حقوق زنان در تمامی ابعاد و عرصه های زندگی ایشان بدون اختلاف و مشکل، دلخوش بود.

در اینجا چند نکته مهم قابل ذکر است:

نکته اول: با دقت و تامل در این موارد استثنا شده بصورت استنباط عقلی و شرعی، خصوصا مورد قاعده عسر و حرج که خود موارد و مصادیق زیادی را در بر می گیرد، شاید بتوان گفت که

سرپرستی و اداره امور خانواده است. شان این سرپرستی همانند منزلت و سرپرستی حاکم جامعه بر مردم است. (مدرسی، ۱۳۸۰، ص ۱۹).

آسیب پذیری زن در بیرون از خانه، بیشتر از مرد است. زن ممکن است مورد تعرض و تجاوز قرار بگیرد، پس مرد باید برای مصونیت زن از ورود و خروج وی مطلع باشد. شوهر حق دارد از بیرون رفتن همسرش و تماس او با نامحرم جلوگیری کند. ولی حق ندارد وی را از تحصیل علم و فراگیری احکام دین و مسایل شرعی باز دارد. از این رو شوهران باید خروج از منزل برای تحصیل این امور را به زنان اجازه بدهند، یا در خانه زمینه یادگیری آن را فراهم کنند (که اکثرا آموزش تخصصی علوم در خانه ممکن نیست)، وگرنه در برابر جامعه اسلامی مسؤول هستند. زیرا امت اسلامی به مدیریت زنان نیاز ضروری دارد که بیمارستانها، آموزشگاه ها، آزمایشگاه ها و صدها مراکز علمی و اجرایی مخصوص زنان را اداره کنند. (همان، ص ۳۲۲)

در قانون اساسی هم در رابطه با محدوده ریاست مرد بر زن آمده است: «هدف قانونگذار برتری دادن مرد بر زن و ارضای خواسته های او نیست. مرد رئیس خانواده است، زیرا بهتر می تواند مسؤولیت اداره آن را بر عهده بگیرد و زن معاون و همکار اوست نه فرمانبردار مطلق او». (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ص ۱۶۵)

قواعد فقهیه

قواعد فقهیه یک سلسله قواعدی هستند که کار آنها کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. فقها این قواعد را قواعد «حاکمه» می نامند. قواعدی که بر سرتاسر فقه حکومت می کنند و کار آنها کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. در حقیقت اسلام برای این قاعده ها نسبت به سایر قوانین و مقررات خود حق «تو» قابل شده است. (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۳۶)

از آنجا که گاه، لزوم اذن زوج به خروج زوجه از منزل باعث بروز و ظهور مشکلات و محرومیت زنان از فعالیتهای معنوی و اجتماعی و اقتصادی، و ایجاد عسر و حرج برای ایشان می شود، به بیان بعضی از اشکالاتی که به این مساله وارد شده می پردازیم.

قاعده «لا ضرر»: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» حکم ضرری در اسلام وضع نشده است. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۱۱؛ قانون اساسی، اصل ۴۰ و بند ۵ اصل ۴۳)

قاعده «لا ضرر» یکی از قواعد فقهیه است و به وسیله ادله اجتهادی ثابت شده و در مواردی که ادله اجتهادی در برابر اصول عملیه، قرار

برای علت تنفیذ اذن خروج زوجه به زوج، دلایلی آورده اند که برخی فقها بر آن اشکالاتی بیان کرده اند.

اقتضای حق ریاست مرد در نهاد خانواده، اینست که زن با مرد در خروج از منزل هماهنگ باشد. در حق ریاست شوهر و اذن واجزه مرد به این ایه استناد شده است: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله...» (نساء ۳۴). لذا قوام بودن مرد را یکی از دلایل تنفیذ اذن خروج زوجه به زوج دانسته اند.

قوام بودن در این مقام نشانه کمال و تقرب الی الله نیست، همچنانکه در وزارت خانه ها و مجامع کسانی هستند که قوام دیگران یعنی مدیر، مسؤول و رییس و مانند آن هستند، اما این مدیریت، فخر معنوی نیست، بلکه مسوولیت اجرایی است و ممکن است زیر دستان ریاست آن موسسه، خالص تر از قیوم کار کنند و پیش خدا مقرب تر باشند. توانایی مرد در مسایل اجتماعی و اقتصادی و کوشش برای تحصیل مال و تامین نیازمندیهای منزل و اداره زندگی بیشتر است. لذا این ایه به این معنا نیست که زن اسیر مرد است و مرد قوام، قیوم و مدیر است و می تواند به دلخواه خود عمل کند. هرگز این تکلیف نیامده که فتوای یک جانبه بدهد و به مرد بگوید تو فرمانروا هستی و هر چه می خواهی بکن. اگر اسلام این دو حکم الزامی را در کنار هم ذکر می کند و به زن در مقابل شوهر به تمکین دستور می دهد (نه اطاعت محض در تمام امور شخصی و غیر شخصی زن) و مردان را در مقابل زن به سرپرستی فرمان می دهد، تنها در صدد بیان وظیفه و جریان امور خانواده است و معیار فضیلت و نقص نیست. لذا اولاً قوام بودن مربوط به زن در مقابل شوهر است، دوماً بیان وظیفه است، سوماً قیوم بودن زن و مرد در محور اصول خانواده است. گاهی زن قیوم مرد است و گاهی مرد قیوم زن و در اصول خانوادگی بسیاری از مسایل عوض می شوند. (جوادی املی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۰)

در حقوق اسلام، همانطوری که تکلیف انفاق و تامین هزینه زندگی خانواده مطابق آیه ۳۴ سوره نساء «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله...» بر عهده مرد نهاده شده است، زن نیز در مقابل به اطاعت از مرد به عنوان رییس خانواده، موظف شده است. و اذن خروج زن از منزل را به مرد واگذار کرده اند.

در توضیح کلمه «قوام» آمده است که به معنای قیومیت نیست، چون قیومیت خاص فرد محجور است، در حالیکه زن محجور نیست که از اداره امور خودش باز بماند، بلکه منظور از قوام نوعی

مالک مجاز است، مگر آن که به موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد. طبق این قاعده ایات و روایات، مالکیت یکسانی برای مرد و زن قابل شده اند است چنانچه زن مالک اموال قابل رسیدگی زیادی در خارج از منزل باشد، و بهره مندی و رسیدگی و تسلط بر این اموال مستلزم خروج وی از منزل باشد و منافاتی هم با انجام وظایف واجبش در منزل نداشته باشد، مثلا همسرش در سفر باشد، بر طبق این قاعده، زن می تواند بدون اذن مرد از منزل خارج شود، اما با توجه به حکم اذن زوج، نباید از منزل خارج شود. آیا در اینجا می توان گفت که قاعده تسلط به واسطه حکم اذن زوج، محدود شده و کارایی و کاربرد خودش را از دست داده؟ یا اینکه عقل و اختیار و اراده زن بواسطه این حکم به مرد واگذار شده و تسلطی بر امور خود ندارد؟ فتامل!!!

قاعده « اضطرار »: « ما من شیء حرّمه الله الا و قد احلّه لمن اضطرّ الیه »

یکی از قواعد مهم فقهی که در استنباط و اجتهاد احکام فقهی نقش به سزایی دارد، قاعده «کل حرام مضطر الیه، فهو حلال» است که به نام قاعده اضطرار شهرت یافته. تاثیر و کاربرد آن در جای جای فقه، مشهود می باشد. این قاعده در حل مشکلات و معضلات مباحث و مسائل نو ظهور نقش اساسی داشته و به لحاظ گستردگی و فراگیر بودن آن در بیشتر ابواب فقه، این قاعده جزو قواعد عامه به شمار می آید، در ابوابی چون عبادات، معاملات به معنای عام، معاملات به معنای خاص، آداب شخصی، آداب عمومی، سیاسیات، و جزئیات کاربرد فراوانی دارد. به لحاظ مدرک هم، این قاعده از قواعد منصوصه است، نه از قواعد مصطاده (گرفته شده از کلمات فقها)، چون در آیات و روایات بر این قاعده تصریح شده است. ادله اثبات آن هم کتاب، سنت، عقل، سیره عقلا و اجماع هستند. ملاک در اضطرار شخصی است نه نوعی است، در هر موردی و در هر شخصی که اضطرار صادق باشد، حکم برای همان مورد و موضوع و مصداق برداشته می شود. لذا ممکن است نسبت به شخصی اضطرار صادق باشد و نسبت به شخصی دیگر صادق نباشد.

ا تتوقّف علیہ حاجیات المرأة و ضروریات حیاتها؛ ممّا لا یمكن الوصول إليها إلا بالخروج من البیت، مثل الغذاء، والشراب، واللباس، والدواء، ومراجعة الطیب، وغیر ذلک من أشباهه. ولو تکفّل الزوج بذلک لم یکن لها ضرورة لتخرج إليها. (محقق داماد ۹۷/۲/۱۷)

در رابطه با خروج زن از منزل بدون اذن همسر، اگر به صورتی باشد که چاره‌ای جز خروج از منزل برایش نباشد، بلا اشکال جایز

گیرد، دیگر مجالی برای جریان اصل عملی و برائت، باقی نمی‌گذارد و ادله اجتهادی و قاعده لا ضرر بر اصول عملیه تقدّم دارند. (فاضل لنکرانی، ج ۵، ص ۱۷۰). لذا از پر کاربردترین و مهمترین قواعد فقهی و حقوقی قاعده لا ضرر است. اگر یک زن صاحب اموال قابل توجهی در بیرون منزل باشد که رسیدگی به آنها مستلزم خروج وی از منزل باشد، و مرد هم اذن خروج به وی ندهد، با توجه به قاعده لا ضرر، برای جلوگیری از ضرر و خسارات ناشی از عدم رسیدگی به آنها، زن حق خروج از منزل بدون اذن مرد را می تواند داشته باشد.

قاعده « نفی عسر و حرج »: « و ما جعل علیکم فی الدین من حرج » (حج / ۷۸) « و خداوند در دین کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد »

هیچ حکمی نباید موجب عسر و حرج مکلف شود. (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۴۴ به بعد؛ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی)

بر اساس اجماع فقها، با قاعده نفی عسر و حرج و بنا بر نظر شاذ بعضی از فقها طبق قاعده اضطرار، خیلی از موارد و مصداقی، از این حکم مستثنی شده و خارج می شوند.

چنانچه مرد با خروج همسرش از منزل، تحت هر شرایطی، مخالفت کند، چه برای تحصیل، چه اشتغال و چه صلح ارحام و سفر و با حبس شدن وی در منزل، باعث افسردگی و ایجاد عسر و حرج وی شود، این قاعده به زن، اجازه خروج از منزل بدون اذن مرد را با رعایت موازین شرعی و قانونی، می دهد.

قاعده « تسلط »: « الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم ». (حدیث نبوی) مردم بر جان و مال خویش، سلطه و اختیار دارند. (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ص ۲۵۸، ش ۲۰۸۳؛ اصل ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی)

قاعده تسلط از مشهورترین قواعد فقهی است و به علت کاربرد وسیع اقتصادی و اجتماعی‌اش، از دیرباز از اساسی‌ترین قاعده‌های فقه اسلام بوده است. به گفته صاحب جواهر: «قاعده سلطنت الملک و تسلط الناس علی اموالهم، اصل لا یخرج عنه فی محل الشک» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۴، ص ۱۳۸) یعنی قاعده سلطنت مالک و تسلط مردم بر اموال خود، اصلی است که در موارد تردید و عدم وجود دلیل بر خلاف آن، نمی‌توان از آن خارج شد. بنا بر این قاعده هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هر گونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند، و هیچ کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات در آن منع کند. به عبارت دیگر، به موجب این قاعده، اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای

برای هر یک از زوجین ، در مواجهه با این تعارض ، در جهت رفع بسیاری از شبهات و چالشها و اختلافات خانوادگی و کمک به دست یابی زنان به سایر حقوق اجتماعی و اقتصادی و ... خود در بیرون منزل ، گامی بزرگ برداشته ایم. لذا با تامل و بازنگری فقهی و حقوقی دقیق تر و جزیی تر، برای حل این تعارض قایل به یکی از موارد زیر شویم :

این حکم را ارشادی و اخلاقی بدانیم .

طبق فتوای برخی فقها قایل به وجوب آن فقط به دو قید ذکر شده باشیم.

با بررسی دقیق محدوده اذن زوج به خروج زوجه از منزل در شرایط کنونی جامعه در راستای تحقق فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زنان ، با اعمال شرایط شرعی و قانونی ، مستثنیات حکم خروج زوجه از منزل با اذن زوج را توسعه داده و بصورت شفاف و روشن مواردی چون حق تحصیل و حق اشتغال در اماکن مختص زنان و ... ، انهم با رعایت حجاب و حدود شرعی ، را در ضمیمه آن کنیم .

است. ولی نباید از این عنوان سوء استفاده شود . و تشخیص این ضرورت نیز با خود زن است.

با توجه به این که این قاعده تشخیص ضرورت برای خروج از منزل را به عهده خود زن قرار داده است ، می توان نتیجه گرفت که مطلق بودن حکم اذن زوج در اینجا معنا و مفهومی نخواهد داشت .

نتیجه گیری

اما با توجه به بررسی آیات و روایات وارده و نظر فقها در مورد مساله خروج زن از منزل با اذن و اجازه شوهر ، به نظر می رسد که این اذن بصورت وجوبی تنها به دو مورد :

خروج زن با حق استمتاع مردمنافات داشته باشد.

در خروج زن باعث فتنه و فساد و به خطر انداختن ابروی و حیثیت مرد و خانواده محدود می باشد

و در سایر موارد یک حکم ارشادی بوده که عقلا و فطرتا و اخلاقا همسو و همراستا باسرشت و افرینش زن می باشد، کما اینکه اگر این حکم هم نباشد ، عقل و اخلاق این مساله اذن از زوج و اطلاع رسانی زن به مرد در خروج از منزل را ، در جهت حفظ ثبات و آرامش بنیان خانواده ، تایید می کند.

لذا با فرض حفظ کامل شیونات شرعی مثل حجاب و رعایت حریم روابط مرد و زن در خارج از منزل توسط زن ، در سایر موارد ، چون صلح ارحام و حق تحصیل و حق اشتغال و رسیدگی به امور تحصیلی فرزندان و سایر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زن ، تا زمانیکه در تعارض با همه وظایف زن در خانه مثل همسر داری ، فرزند داری و رسیدگی به امور خانه ، قرار نگیرد ، اگر به زن اختیار و اراده و اجازه خروج از منزل بدون اذن مرد داده شود ، حقوق اجتماعی و اقتصادی و سیاسی وی را اعاده کرده ایم . در هر حال آنچه که حایز اهمیت است ، اینست که پاسخ بسیاری از مسایل ، مشکلات و شبهات مطرح شده درباره سایر حقوق اجتماعی برخی زنان در جامعه ، به محدوده و گستره حکم فقهی اذن زوج به زوجه در خروج از منزل باز می گردد . مباحث حق تحصیل ، حق اشتغال ، انجام واجباتی چون صلح رحم ، رسیدگی و احسان به والدین ، درمان مشکلات جسمی و روحی زنان در خارج از منزل ، هر چند گاهی بعضا با قاعده عسر و حرج از دایره شمول این حکم می توانند خارج شوند ، ولی در بیشتر موارد و مصادیق ، این قاعده کار ساز نمی باشد . لذا اگر بتوان نگاه منطقی تر به این حکم و مشکلات ناشی از آن داشته باشیم ، بسیاری از این شبهات و تعارضات به راحتی رفع خواهند شد . برای همین با ارایه راه حل مناسب و صریح

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

۷- منابع

- قرآن کریم
- بجنوردی ، سید محمد ، القواعد الفقهیه ، تهران ، موسسه عروج ، ۱۴۰۱ق.
- بحرانی ، شیخ یوسف ، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ترجمه محمد تقی ایروانی ، قم ، موسسه نشر الاسلامیه لجماعه المدرسین ، بیتا .
- جوادی املی ، عبدالله ، خانواده متعادل و حقوق آن ، قم ، اسرا ، ۱۳۹۳ .
- جعفری لنگرودی ، محمد جعفر ، دانشنامه حقوقی ، گنج دانش ، ۱۴۰۰ .



- خمینی، روح الله تحریر الوسیله، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- خمینی، روح الله، صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
- خوبی، سید ابوالقاسم، المستند فی شرح العروة الوثقی، تالیف الشیخ مرتضی البروجردی، قم، موسسه احیا آثار امام خوبی، ۱۳۷۹.
- رحمانی، امیر، بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
- شبیری زنجانی، کتاب نکاح، قم، موسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۳۸۲.
- شیخ صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
- عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، ال البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
- فاضل لنکرانی، محمد، ایضاح الکفایة، جلد ۵، قم، انتشارات نوح، ۱۳۸۵.
- قانون اساسی، مجلس خبرگان.
- قربان نیا، ناصر، تامل در فقه تحول در حقوق، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، تهران، نشر یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالاحیاء التراث، ۱۴۰۳.
- مدرسی، سید محمد تقی، آزادی و مسؤولیت زن، ترجمه حمید رضا اذیر، تهران، محبان الحسین، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، چاپ ۲۳، ۱۳۷۶.
- منصور نژاد، محمد، مساله زن اسلام و فمینیسم، تهران، انتشارات زیتون، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- میرزای قمی، ابوالقاسم، جامع الشتات فی اجوبه السؤالات، ج ۴، تهران، کیهان، ۱۳۷۵.
- نجفی جواهری، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۶۲.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دار التراث العربی، ۱۳۶۲.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، انتشارات ال البيت، ۱۴۰۸ق.
- هدایت نیا، فرج الله، نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷.
- سایتها
- درس خارج فقه استاد ری شهری، کتاب الحج، ۹۵/۱۲/۱
- <http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/reyshahri>
- محقق داماد، درس خارج فقه، ۹۷/۲/۱۷
- <http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/mohaqqdamad>
- مظاهری، درس خارج فقه، ۹۵/۶/۱۰
- <http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/mazaheri>
- مکارم، درس خارج فقه، ۸۴/۲/۲۰
- <http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/makarem>

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
forth Year, Issue 13
, Pages 121-139

The solution of the couple's appearance of conflict in leaving home with other social rights of the wife in jurisprudential rulings

- Dr. Seyed Javad Khatami Assistant Professor and Faculty Member of Hakim Sabzevari University
- Dr. Seyed Mohsen Aziz Assistant Professor and Faculty Member of Hakim Sabzevari University
- Razieh Mehdipour Graduate Master's Degree, Jurisprudence and Foundations of Law, Hakim Sabzevari University, Khorasan, Iran.

Abstract

Considering the issue of the husband's permission for the wife to leave the house, the social and economic rights of the woman should be considered as potential rights, the actualization of which depends on the permission of the man.

Assuming that the wife has performed her obligatory and recommended duties at home, and in terms of fully maintaining the Shari'a rituals outside the home, if the husband is responsible for matters such as education, employment, peace of mind, and attendance at the congregational prayers of the mosque, etc. does not allow her to leave the house, practically the social, political and economic rights that Islam has provided for women will not come true, and therefore the woman's intellect, will and authority will not have a place in this category.

Apparently, this Sharia ruling creates unfair social restrictions on the wife in some situations. In this research, by referring to jurisprudential sources and analyzing the proofs of the ruling on the permission of the couple in the statement of the jurists, as well as examining the concept of the ruling on permission, the extent of the scope of inclusion of the excluded cases of this ruling, compared to the scope of the exclusion of the ruling, i.e. the ruling itself, and finally with the help of the rules According to the jurisprudence, we will prove the guidance of this ruling.

Key words: marital consent, social rights, jurisprudence, jurisprudence rules.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

* Corresponding author: raziyemahdipoor@gmail.com